

برای آنان که می اندیشند.

“اندیشه”

میراب

“عشق”

هرمز انصاری

سرشناسه : انصاری، هرمز، ۱۳۱۴ -

عنوان و نام پدیدآور : " اندیشه " میراب "عشق"

هرمز انصاری

مشخصات نشر : تهران: هرمز انصاری، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری : ۸۰ ص.؛ ۵/۱۱×۱۶/۵ س.م.

فروست : "برای آنان که می اندیشند" ۳۲

شابک جلد شومیز : 978-964-04-9159-1

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

موضوع : شعر فارسی -- قرن ۱۴

رده بندی کنگره : PIR۷۹۶۲ ۱۳۹۱ ۷۴ الف ۶۴۴ن/

رده بندی دیویی : ۶۲ / ۸۱ا

شماره کتابشناسی ملی : ۳۰۴۲۵۱۳

لیتوگرافی، چاپ و صحافی : فرارنگ آریا

شمارگان : ۳۰۰۰ شومیز، ۵۰۰ گالینگور

چاپ اول : بهار ۱۳۹۲

قیمت : جلد شومیز: ۳۲۰۰ تومان

جلد گالینگور: ۴۲۰۰ تومان

www.hormozansari.com

" انستیتو زبان سیمین " - نبش کوجه ورنوس - بلوار کشاورز

۸۸۹۵۱۱۵۱-۴ / ۸۸۹۵۴۴۶۹ / ۸۸۹۵۴۴۶۷

برای آنان که می اندیشند.

”اندیشه“

میراب

”عشق“

هرمز انصاری

پیش سخن

در آوردن واژه ای

پر بار، دقیق، خوش آهنگ

نباید آن قدر مترادف دور و برش بیاوریم

که زنگ خوشاهنگ آن به گوش نرسد.

اگر بتوانی

مفاهیم بلند را

مفاهیم ریشه دار را

مفاهیم عمیق را

در واژه های دقیق، روشن، پر بار

و به یاد ماندنی

در ساختار موسیقایی،

و پر استحکام بیاوری

کمی به دنیای ” کوتاه نویسی “ نزدیک شده ای.

و در این کوچک کتاب چنین تلاشی شده است.

۹۰/۱۲/۲۶/۱۹

اگر یک بار بخوانی و همیشه به آن فکر کنی،
اگر هوس کنی یک بار دیگر آن را بخوانی،
اگر خوب آن را مزه مزه کنی و به خاطر بسپاری،
اگر دوست داشته باشی بارها و بارها آن را بشنوی و
بخوانی،

اگر هر ساختار و واژه اش برای تو آن دقت و پرباری را
داشته باشد که نتوانی چیزی جایگزین آن کنی،
اگر هر جمله اش مکمل جمله های دیگر باشد و با
آهنگی دیگر آن ها را هماهنگ کند،
اگر نمونه های آن چه را می خوانی در اطراف و در خود
بینی و احساس شان کنی،

اگر نوشته پرتوی به روی آینده بیفکند و آن را آن گونه
که می آید به نمایش کشد،
اگر از منفی گویی، آه و ناله کردن و بدبینی پرهیز کند،
اگر شوق و امید و توانمندی را دامن زند،
اگر خیرخواهی و دوست داشتن و مددکار بودن را
شعله ور سازد،

اگر آن چه را باید جای آن چه را نباید بنشانند،
اگر به جای انتقاد از گذشته به پیشنهاد برای آینده
بپردازد،

آن ساختار، آن واژه و آن گفتار راه کوتاه گویی و
کوتاه نویسی را می رود.

۹۱/۹/۱۵/۱۱

✧ احساس "نیاز" که بکنی،

انگیزه تلاش داری؛

احساس نیاز خردمندانه است،

و با غمِ نداشتن توفیر دارد.

۸۳/۳/۶

✧ اگر چیزی برای گفتن داشته باشی

باید هنر گفتنش را هم داشته باشی.

✧ اندیشهٔ پر توان ریشه در زبان غنی دارد و

زبان غنی ریشه در اندیشه ای پر توان.

✧ جهانی شدن،

به معنای غالب شدنِ یک رنگ بر رنگ های دیگر نیست؛

به معنای پذیرفتنِ همهٔ رنگ ها در یک هماهنگی است -

دوختن "چل تکه" است از رنگ های گوناگون.

۸۳/۳/۶/۱۸

✧ در بازی یکی می برد،

یکی می بازد -

در مشارکت هر دو "می برند".

۸۳/۲/۱۸/۱۹

✧ اولین سنگ بنای خوشبختی

آن است که

فرد خود را خوشبخت بداند.

۱۳۳۵/۱۱/۱۶/۲۰

✧ اگر راست راه بروی،

به مراتب بهتر از آن است که

راه راست بروی -

راه "پیش رفت"

همیشه "راه راست" نیست.

۸۳/۳/۱۰/۲۳

✧ سادگی در واژگان نیست؛

سادگی در انتقال پیام است،

اما، زیبایی

در گرو واژگان است و ساختارها.

۸۲/۴/۲۳/۱۷

✧ داشته ها

برای ” انبار ” کردن نیست؛
برای ” بهره برداری ” است -
” ابزار ” زندگی است.

۸۲/۱۰/۲

✧ اگر محکوم کنید،

برائت من است؛

و اگر تبرئه،

برائت شما.

۸۲/۵/۹/۲۰

✧ بی عرضگی خودشان را،

زیر ایراد از دیگران،

پنهان می کنند.

۸۲/۳/۴/۹

✧ هرچه دورتر شوی

” بیشتر ” می بینی و

هرچه نزدیک تر،

” بهتر ”.

۸۲/۸/۹/۱۹

✧ همان موقع که
یک تکامل یافته
دارد رو به افول می رود،
یک تازه متولد شده،
دارد راه تکامل می رود.

✧ عقلت را که به کار انداختی،
می شود "تفکر".

✧ کی باید "چه" و "چه گونه" را بگوید؟
آن کس که درمانده است،
یا او که راه یافته است؟
۰۴/۱/۸/۱۴

✧ "قدرت انطباق"، خود،
تولید پاسخ های در خور است -
برای محرک های تازه.
۰۴/۱/۷/۱۶

✧ وقتی به قصد ”بردن“
به میدان می آیی؛
باختت هم، خود، برد است.

۸۲/۱۲/۲۱/۸

✧ سر آغاز اگر ”مبهم“ باشد،
حرفی نیست.

اما
”سرانجام“ اگر مبهم باشد،
زیر سؤال است.

✧ نه تنها پاسخ بیشتر –
که پاسخ ”بهتر“
نشانه تکامل یافتگی است.
۰۴/۱/۷/۲۰

✧ آن روزها؛
که ما را به معلمی فرستادند،
معلم با محصل ”بیگانه“ بود –
و ما از بیگانگی به یگانگی رسیدیم.
۰۴/۱/۷/۲۲

✧ اگر قرار است از چیزی شکایت داشته باشی،
از ”خرد“ خود داشته باش.

۸۲/۱۱/۴/۲۱

✧ ”ضعف“ و ”قدرت“

درونی است؛

به داشتن و نداشتن نیست -

به احساس داشتن و نداشتن است.

۸۲/۱۲/۱۲/۱۷

✧ ”رویاندن“

ریشه در

”روییدن“ دارد.

۸۲/۱۲/۱۸/۱۳

✧ مباد روزی که

قلم به دستان

حرف بیل به دستان زنند و

بیل به دستان

کار ”اهل قلم“ کنند.

۸۲/۱۲/۱۸/۱۳

✧ هنوز "چه می خواهد" را معلوم نکرده،
دنبال "چه گونه" می گردد!

✧ از دانستن

به

توانستن

از پل "فهمیدن" می گذری.

۸۲/۱۲/۲۱/۸

✧ به آن چه می شنوی فکر کن؛
تا به آن چه می گویی فکر کنند.

۸۱/۷/۱/۲۱

✧ "وقت" را

به قامتِ ضرورت "عمده" ببُر؛

وگر نه دمِ قیچی ها

همه آن را خواهند گرفت.

۸۲/۱۲/۲۱/۸

✧ "اینجا" را که نیایی

به "آنجا" نمی رسی.

✧ بهارِ اندیشه

با نسیم اندیشه دیگران

پر طراوت می شود.

۸۲/۱۲/۱۸/۱۳

✧ اگر "من" آن را نمی فهمم

دلیل بر آن نیست

که "آن" غلط باشد.

مهر ۱۳۸۰

✧ توقع دیگران از خودت را

بالاتر و بالاتر ببر؛

تا بکوشی

بیش از توقع آنان رشد کنی

و پاسخگوی انتظارشان باشی.

✧ گوش دادن با گوش کردن فرق دارد؛

تو به حرف من گوش بده،

نمی خواهم گوش کنی.

۸۰/۹/۱۴/۱۸

✧ سادگی بیان

با سادگی پیام توفیر دارد؛

بیان ساده

پیچیدگی ها را باز می کند،

پیام ساده

جان کلام را کمرنگ.

۸۱/۲/۲۶/۱۲

✧ زیبایی یک چیز است،

و تجمل چیز دیگر -

”زیبایی“ نَفَس را آزاد می کند؛

و ”تجمل“ حبس.

۸۲/۱/۷/۱۲

✧ ”ناکامی“

هزینه کامیابی است.

۸۳/۶/۲۲/۲۳

✧ "چرا"

اگر از روی مؤاخذه بود،
گوش نده؛
اگر در "اندیشه" ریشه داشت،
به جانِ دل بسپار.

✧ اگر می خواهید "احساس" او را تحریک کنید،

یک واقعیت را
از مجموعهٔ پیوسته و وابسته آن
بیرون کشید و به رخ بکشید؛
اگر می خواهید "اندیشه" او را بارور کنید،
یک واقعیت را
در مجموعهٔ پیوسته و وابسته آن
به نمایش درآورید.

۸۱/۷/۱۱

✧ آدم ها

قدر آن چه آسان به دست آید
ندانند؛

تا چه رسد به آن که
"هبه" شده باشد.

✧ اگر می خواهی ”رشد“ کند
بیندازش توی ”نیاز“؛
و کاری کن که نیاز را بشناسد.
۸۱/۶/۱۶/۲۳

✧ استعداد او در آن بوده است که
از میان ”شنیده“ ها
درست را،
بهتر را،
اصلح را،
ارجح را
تشخیص دهد و انتخاب کند؛
پس اگر آرای متفاوت را نشنود،
بهتر را از کجا تشخیص دهد.
۸۱/۷/۲۳/۱

✧ کوچک کردن آدم های بزرگ،
تو را بزرگ نمی کند؛
بی اعتبار می کند.
۸۱/۶/۱۶/۹

✧ آن قدر گرفتار "حرف" شده است
که از "عمل" غافل مانده.

۷۱/۲/۳/۱۵

✧ غنچه اگر لب نمی گشود؛
رایحه نبود

و

انسان اگر زبان نمی گشود؛
"اندیشه".

۸۱/۹/۲۲/۱۳

✧ اگر "قبلی" را ندانی،
"بعدی" را نتوانی گفت.

۷۸/۸/۱۱/۱۱

✧ "تغییر"،

زمان را دراز می کند.

۸۳/۷/۱۶/۹

✧ بیرونی ها را درونی کنیم،
درونی ها را بیرونی.

✧ اگر

آن گونه "خوبی" کردی

که خوبی شونده نفهمد،

درست است.

۸۳/۹/۶/۱۹

✧ خردمند کسی است که،

پیش از دیگری،

به نابخردی خود پی ببرد.

۸۱/۱۰/۲۰/۱۶

✧ گناه بزرگ تو

فکر نکردن است،

گناه بزرگ ترت

فکر نشده حرف زدن،

گناه نابخشودنی ات

روی حرف فکر نشده پافشاری کردن.

۸۳/۷/۶

✧ اندیشه هایش

به عمق می روند و
در سطح می رویند،
آفتاب عشق می نوشند،
باران مهر می بارند.

۸۱/۱۱/۱۴/۲۱

✧ تو عرصه را بر او تنگ می کنی

که "مال" خودت باشد؛
و او می گریزد
که مال "خودش" باشد.

۸۳/۷/۲۴/۱۲

✧ اگر "موضوع" را بشناسی،

زبان را می فهمی -

مشکل زبان نیست؛

مشکل مفهوم است -

که زبان نقشی بسیار اساسی در مفهوم سازی دارد.

✧ "فرهنگ"

همان چیزهایی است که

در ذهن،

یا به مدد ذهن،

ساخته ایم.

آدم "بی فرهنگ" وجود ندارد؛

فرهنگ ها متفاوت است.

۸۱/۱۲/۱۰/۱۶

✧ در "منفی نبودن"

عقربه می رود روی صفر؛

در "مثبت بودن" است

که از جا می کند.

۸۱/۱۲/۱۰/۱۶

✧ جنگ را خیلی آسان می شود

شروع کرد؛

اما مشکل می توان

تمام کرد.

✧ تا "نوع" را شناسی،
فرد را نمی شناسی -
و با "فرد" است که
نوع را می شناسی.

۸۳/۷/۱۶/۹

✧ وقتی داری،
قدرش را نمی دانی -
وقتی نداری،
آرزویش را می کشی.

۸۳/۲/۲۸/۸

✧ از دلم رفته بود،
از زبانم هم.
چرا از فرهنگ واژگانم نرود؛
کلمه "دُش مَن"؟

✧ نه زیاد خودت را آویزان کن،
نه فاصله بگیر.
مثل "سایه" هم نباش.

۸۶/۷/۲۰/۹

✧ اگر واقعیت را شناختیم و بیان کردیم؛
”حقیقت“ را گفته ایم

برای شناخت واقعیت،
سیر واقعیت را باید دید.

✧ ”شناخت“ از روی عقل نیست؛
از روی آشنایی است -
که اگر ”عقل“ نباشد،
آشنایی به جایی نمی رسد.

۸۴/۱/۴/۱۵

✧ نیروهای عینی
سرپیچی می توانند؛
فرماندهی نمی توانند.

✧ ”مشکل“
در آفتاب اندیشه نرم می شود؛
در سایهٔ غم ”سفت“.

۸۶/۲/۲۱/۱۶

✧ نقد را با نفی اشتباه نکنید.

✧ اگر "عادت" نباشد

یادگیری به سر منزل نمی رسد،
که اگر صاحبخانه شود
یادگیری پشت در می ماند.

۸۵/۹/۱۰/۱۲

✧ شکست خوردن

طبیعت کار و زندگی است،
پذیرفتن آن
بازدارنده.

۸۶/۳/۳۱/۱۳

✧ زیبایی درون

چهره بیرون را
دوست داشتنی می کند.

۸۵/۱۰/۹/۱۸

✧ تمام لطف هدیه کردن

به نحوه عرضه آن است.

۸۷/۶/۲۹/۱۸

✧ زندگی یک نردبام است،
پلکان است؛

زیر پایت را
پیش از آن که پای بگذاری
خوب نگاه کن.

و تا پا گذاشتی
فکر برداشتنش باش.

۸۵/۱۰/۲۷/۲۱

✧ اگر به خطای خود اعتراف کرد
دوستش دارم،

اگر انکار کرد
می پذیرم،
اگر تکرار کرد
نمی بخشم.

۸۳/۱۰/۴/۱۷

✧ وقتی اجازه نمی دهید
”حرف“ شان را بزنند -
راه ورود اطلاعات را می بندید.

۸۶/۳/۸/۲۱

✧ ما

باید

دانش تولید را
غنی کنیم
فرهنگ مصرف را
متعالی.

۸۵/۱۰/۲۴

✧ جنگ را

هر بی خردی می تواند شروع کند؛
اما پایان دادن به آن
عقل کل عاقلان را می خواهد.

۸۶/۲/۱۴/۱۷

✧ چرا

در مقابل هر تغییر و تفاوتی
ترش می کنید؟
تغییر ذات تحول است؛
همان گونه که

تحول پلکان "تکامل".

۸۵/۱۱/۱۰/۹

✧ "پرسش"

بیش از پاسخ

اعتبار دارد -

پرسش،

نشان اندیشه است؛

پاسخ

ناشی از اطلاع.

۸۵/۱۲/۱/۱۶

✧ "عرضه" که تنگ شد

بلوغ فکری ات را نشان بده -

در میدان های باز که

هر بی خردی خردمند می نماید.

۸۶/۲/۵/۸

✧ ناله کردن که کاری ندارد؛

نعره کشیدن دل شیر می خواهد.

۸۶/۳/۲۲/۸

✧ "چه گونه" به دست آوردن
دانش توست،
چه گونه "مصرف" کردن
فرهنگ تو.

۸۵/۱۲/۹/۳

✧ "سیاست"
باید
ریشه در "فلسفه" داشته باشد.

۸۶/۱/۳/۱۲

✧ "قالب"
نباید
بر رفتار ما
غالب شود.

۸۶/۸/۲۴/۱۲

✧ رشته های محبت را با خشونت نبر؛
گره اش بد جوش می خورد.

۸۶/۲/۲۷/۱۸

✧ من

حاکمِ "حکیم"

می خواهم؛

نه حکیمِ "حاکم"!

۸۶/۴/۱۹/۱۲

✧ "قدرشناس" استادی باش

که از او پیشی گرفته ای.

۸۶/۶/۱۶/۱۸

✧ به "مخالف"

بی تقابل گوش بده؛

اگر درست بگوید

تصحیح توست،

اگر غلط بگوید

تقویت تو.

۸۶/۵/۱۱/۲

✧ "زنبور عسل"

عین شیرۀ گل را تحویل نمی دهد؛

پژوهشگر هم.

* آن چه را نیست -
و باید باشد -
آن گونه به تصویر بکش
که گویی هست.

۸۶/۵/۲۵/۷

* تلاش
برای نگه داشتن
آنچه داری
تو را،
روی پله ای که هستی
نگه می دارد.

۸۶/۷/۲۷/۹

* خودت که بیشتر لذت میبری؛
وقتی
”حال خوبی“ در دیگری به وجود آوری.

۸۶/۷/۲/۹

* دیکتاتوری
همیشه
جناح مخالف را تقویت می کند.

۸۶/۸/۱/۱۴

✧ با مغزِ بالا که برویم

تفاوت آدم ها

بسیار بیش از تشابه آن هاست،

با مغزِ پایین که برویم

تشابه آدم ها

بسیار بیش از تفاوت آن هاست.

✧ من،

باید کاری کنم که -

او،

همواره،

تشکر در دل داشته باشد.

او،

باید تمرین کند که،

همواره،

تشکر بر زبان.

۸۶/۱۰/۱۷/۷

✧ حیوان ها

اگر بر سر تولیدِ مثل با هم نجنگند
نژاد برتر حفظ نمی شود

انسان ها

اگر بر سر آراء و اندیشه

...

۸۶/۹/۱۶/۲۱

✧ با سواد

بی سواد را می فهمد -
این بی سواد است
که با سواد را نمی فهمد.

۸۶/۹/۲۸/۱۴

✧ پیچیدگی مسئله است که

زیبایی راه حل را نشان می دهد.

۸۶/۱۰/۳/۲

✧ آب را

اگر سر بالا راندی درست است؛

سرازیری که خودش می رود.

۸۶/۸/۲۹/۳

✧ اگر دوستش داری به او چیز یاد بده؛
چیزی که ارزش یاد گرفتن داشته باشد
که به درد زندگی بخورد.

✧ همیشه
جشن داشته هایت را بگیر؛
بر عزای از دست رفته ها
نقطه پایانی نیست.

۸۷/۱/۶/۱۱

✧ وقتی
به خود
کمتر از هر کس دیگر
ایراد بگیری
بیش از هر کس دیگر
ایراد خواهی داشت.

۸۶/۱۲/۷/۳

✧ به داشته هایت برس؛
روی آن ها که داری کار کن
تا آن را که نداری به دست آری.

۸۷/۱/۹/۱۴

✧ پیش از انقلاب
بیدار می شوند،
در انقلاب
به هیجان می آیند،
بعد از انقلاب
به فکر می افتند.

۸۶/۱۲/۱۲/۹

✧ احساسِ پرتوان
ذهن را پرتوان می کند.
ذهنِ پرتوان
اندیشه را
اندیشهٔ پرتوان
احساس را.

✧ آدمِ عاقل
طرح وضع آینده را می ریزد،
آدم نادان
به شکوه از وضع گذشته می پردازد.

۹۰/۵/۱۵/۱۲

✧ اول احساس است،

بعد اندیشه.

که اندیشه،

خود،

مادر احساس است.

۸۷/۱/۹/۱۴

✧ "اخلاق"

با "رفتار" فرق دارد؛

در اولی

ممکن است به چیزی تظاهر کنی که نیستی؛

در دومی

خودِ خودت هستی.

۸۶/۱۲/۱۴/۹

✧ چون هیچ حسی

اطلاعات را

چون حسِ دیگر به مغز نمی‌رساند؛

باید از حواس مختلف استفاده کرد.

✧ عرضه هر چه زیاد شود
تقاضایش کم می شود،
جز عرضه اندیشه.

۸۶/۱۲/۱۳/۱۹

✧ فرهنگ اکتسابی نیست؛
اما پروردنی است،
ساختنی است.

✧ توانایی خواندن و نوشتن،
ممکن است "سواد" باشد،
ولی دانش نیست؛
وسیله کسب دانش است.

۱۳۳۵/۱۰/۱۴/۱۸

✧ هیچ کس نیست که هیچ "انسان" نباشد؛
هیچ کس هم نیست که "کاملاً" انسان باشد -
سایه و آفتاب هر دو هستند؛
کدام بیشتر،
دست خود شماست.

۸۲/۴/۲۴/۲۳

✧ وقتی "ضعیف" هستی؛

هر کاری دیگران می کنند باید بکنی -

وقتی قوی هستی؛

هر کاری تو بکنی "ملاک" است.

۸۲/۳/۱۹/۷

✧ فکر که بکنی سؤال پیش می آورد؛

سؤال وقتی پیش می آید که

- نمی فهمی،

- قبول نداری،

- دلیل می خواهی،

- هشدار می دهی.

✧ قلم دست شماست،

بلندگو دست شماست،

امکانات مالی - مادی

...

آیا "حق" هم با شماست؟

که اگر بود

این همه وسیله تبلیغ - برای ایجاد حق - نمی خواستید.

✧ از روی “معلومات” سؤال کنید؛
خانه های خالی ذهن را پر کنید -
با دانسته ها،
ندانسته ها را پیدا کنید.
سؤال اگر علمی باشد،
پاسخ علمی می طلبد.

✧ دنیای بچه،
دنیای محسوسات است -
حسگرها را حساس کنید؛
دروازه ها را باز.

✧ “چه”
به من آگاهی می دهد،
“چرا” و “چگونه”
اندیشه پرتوان.

✧ شناختن با دانستن فرق دارد،
دانستن با فهمیدن،
فهمیدن با شم و مهارت به اجرا درآوردن.

۸۳/۱۱/۲۵/۱۷

✧ "اخلاق" با رفتار دو تاست -

اولی درونی است،

دومی بیرونی.

دومی کنترل شده است،

اولی کنترل شکن.

۸۷/۲/۵/۱۰

✧ "رفتار"

روی چارچرخ قبولداشت های جامعه راه می رود؛

"اخلاق"

با موتور نیاز و تمایل فرد.

۸۷/۲/۵/۱۰

✧ آدم هایی که تظاهر می کنند

به آن چه نیستند؛

آن را هم که هستند

زیر سؤال می برند.

۸۷/۲/۶/۱۲

✧ کلام از دهان

چون آب است از چشمه -

بیرون که آمد

بر نمی گردد.

۸۳/۴/۱۸/۱۰

✧ ما

از وحدت نظر

به وحدت عمل می رسیم،

که

وحدت نظر

وحدت انگیزه هم می خواهد.

✧ دانش

باید

با تمرین و تمرین و تمرین

امر مهارتی مان شود.

✧ مخالف بودن را بگذار کنار؛

متفاوت بودن را پیشه کن.

✧ وقتی رفتارت "خشن" باشد

فقط

بی شخصیت ها و متملق ها و ابن الوقت ها
دورت جمع می شوند.

۸۳/۷/۷/۱۳

✧ به کسی گوش بده،

- و خوب هم گوش بده -

که در آن چه می گوید

به تو سر باشد -

در دانش و تجربه و دستاورد.

۸۵/۶/۳۱/۱۱

✧ سازندگان طبیعت

"تمدن" می آفرینند و

سازندگان "انسان"

"فرهنگ".

۸۴/۱۱/۹/۱۲

✧ محیط می گوید این کار را نکن،
اندیشه می گوید آن کار را بکن -

اندیشمند

در محیطِ بد
می تواند کار خوب بکند،
آدم معمولی، نه!

✧ احتراماً نظرش را می پرسم،
خیال می کند اجازه می گیرم.

۸۶/۸/۲۰/۸

✧ ”بیمار“، عرصه را به سالم تنگ می کند؛
این سالم است که باید به آن وسعت بخشد.

۸۴/۸/۲۱/۱۰

✧ خدمات آموزشی ما

باید

آگاهی و دانش و بینش و مشارکت و خلاقیتِ
دریافت کنندگان را دامن زند و گسترش دهد
دوست داشتن را نیز.

✧ همهٔ نشانه های ”موفقیت“ را داشت؛

جز برق امید در چشم هایش.

۸۴/۱۱/۱۳/۱۴

✧ زندگی آبی است روان؛

هر چه به ”چشمه“ آن نزدیک تر شوی

گواراتر است.

۸۷/۱/۲۰/۲۰

✧ چه نیازی دارید

با رأی دیگران سر کار آیید -

که ناچار باشید

به حرف آن ها گوش کنید؟

نخبگان، همیشه، در اقلیت اند.

۸۵/۱/۱۲/۱۵

✧ عیب ساز مکن؛

که ناتوانی از نوازنده است.

۸۶/۱۲/۱۷/۳

✧ تو

باید

اول مطمئن شوی

دو سر نردبامی

که می خواهی از آن بالا روی

به جای ”محکم“ تکیه دارد.

۸۴/۱۱/۱۱/۱۵

✧ برای

تغییر ارتباط خود -

با خود و با غیر خود -

هم اندیشه خود را تغییر بده

هم گفتار خود را

هم کردار خود را -

حساب شده و برنامه ریزی شده و به موقع.

۸۶/۱۲/۶/۱۸

✧ دل به خوشایندهای کوتاه مدت میند؛

گاه خوش آمدن های کوتاه مدت

پی آمدهای ناگوارِ درازمدت دارد.

۸۴/۱۱/۲۳/۹

✧ آنچه

با پول به دست می آوری
”آسایش“ است؛
نه ”آرامش“.
آسایش بیرونی است،
آرامش درونی.

۸۵/۲/۱۴/۱۵

✧ با ”خودی“ تلخ است،

با غیر خودی شیرین!
چون
از خودی ”توقع“ دارد،
از غیر خودی نه!

۸۵/۲/۱۴/۱۵

✧ من

”محصول“ خوانده شده ها را عرضه می کنم؛

او

”عین“ خوانده شده ها را.

۸۴/۱۲/۱۳/۹

✧ "موفقیت" تو

برای

لذت بیش تر،

رفاه بیش تر،

نشاط بیش تر

است؛

نه برای

رنج بیش تر،

اسارت بیش تر،

اندوه بیش تر!

۸۵/۲/۱۵/۹

✧ فرصت ها

چون میوه های رسیده اند -

میوه رسیده

زیاد به درخت نمی ماند.

✧ "حمله" اگر از روی "غضب" است،

"دفاع" باید از روی "عقل" باشد.

۸۳/۶/۳۰/۱۳

✧ آنان،

که زبان پند به سوی دیگران دارند،
خود،

کمتر از روزگار می آموزند.

۸۵/۵/۲۶/۱۳

✧ اندیشه ات را بیان کن؛

سنگ پراندن

نه نشان اندیشه ای پربار است،

نه گواه بر حق بودن.

۸۵/۹/۲/۸

✧ تو

باید "نظرخواهی" کنی،

اما،

بنا نیست به هر نظری تن دهی؛

فقط

به آن فکر کن، فکر کن، فکر کن.

شاید

ناآشنایی آشنا شود.

۸۵/۱۲/۱۰

✧ کارِ "پژوهشگر"

آن نیست که

لجن ها را به هم زند -

پژوهشگر،

چه گونه گلزار شدن لجنزارها را

پیدا می کند.

۸۵/۶/۲۷/۸

✧ استقلال و همبستگی را

در دانه های انار ببین -

هر دانه اش با استقلال می درخشد و

در پوشش قبه های سفید

در حفاظ مقاوم بیرونی

به هم پیوسته اند.

۸۵/۱/۱۶/۱۲

✧ من،

بیش از هر کس،

از "خود" آموخته ام؛

از درک "اشتباه" خود

و تصحیح آن.

۸۵/۹/۲/۸

✧ همیشه

عرصه را

تنگ تر از آن چه نیاز داشته ام،

دیده ام.

۸۲/۱۲/۱۰/۱۴

✧ "تغییر"

مثل شستن سر و صورت است

با یخ آب زمستان،

مثل کنار زدن پرده جلوی آفتاب است،

در اتاقی بی نور.

۱۹ ژانویه ۲۰۰۵

✧ مخالفت از روی "فهم" را

بسیار بها می دهم؛

از روی "جهل" را

نه.

✧ احساسی را که عقل تأیید کند،

می پسندم -

نه عقلی را که احساس راه ببرد.

۱۶ ژانویه ۲۰۰۵

✧ فشار روی

درست خواندن

و درست نوشتن

باید جایش را بدهد به

درست فهمیدن

و درست به کار بردن.

✧ ”عادت“ مثل پله است؛

برای بالا رفتن

باید پای بر آن نهی،

برای بالاتر رفتن

پای از آن برگیری.

۸۵/۹/۹

✧ آنچه را خود ندارد و نمی پسندد،

”اشتباه“ می داند؛

این، درست به آن ماند که

رنگِ سرخ

رنگ های دگر را ”زشت“ پندارد.

۸۳/۱/۲۴/۱۵

✧ همه اش

دنبال آن است که

ببیند

از چه می تواند برنجد؟!

خبر ندارد که

”رنجش“ او

چه رنج ها به دنبال دارد.

۸۳/۴/۲۵/۱۰

✧ در ”قمار“

پول از جیب یکی

می رود توی جیب دیگری -

وقت می گذاری،

اما، ”کار“ نمی کنی -

”تولید“ نمی کنی.

۸۳/۲/۱۸/۱۹

✧ اگر ”عمل“ او را قبول نداری،

”عکس العمل“ ات برازنده تو باشد؛

نه همگون آن.

۸۳/۱۳/۹

✧ هیچ کارَت

شبيه به آن نباشد؛

که نمی پسندی -

شبيه به آن باشد؛

که ستایش می کنی؛

نه در ظاهر؛

که از دل و جان.

۸۳/۵/۱۵/۱۴

✧ "مظلوم" واقع شدن،

غیر از "برحق" بودن است؛

به او ظلم شده است؛

نه آن که بر حق باشد.

۲۱/۶ فوریه ۲۰۰۵

✧ تو باید دوست داشتنی باشی،

اصرار در این که دوست داشته باشند،

واکنش منفی دارد.

۱۰/۲۱/۱۰/۸۶

✧ من

فکر می کنم،

تو

فکر می کُشی -

من

مشکل را

آن گونه که هست می بینم؛

تو

مشکل را

آن گونه که می ترسی.

۸۶/۳/۲۸/۱۰

✧ اشتباه که بکنی

یک درجه از اعتبارت کاسته می شود،

از اشتباهت که دفاع کنی

یک درجهٔ دیگر.

اشتباه را که بپذیری

به اعتباری که داری افزوده می گردد.

۸۶/۵/۳۱/۷

✧ غم را که با "غم خوار" در میان می نهی
"تقسیم" نمی شود؛
تکشیر می شود.

۸۶/۲/۱۴/۱۶

✧ ذهن باز،
اندیشه پرتوان،
احساس لطیف
"سلاح" را
به دیوار آویزان می کند -
اگر

زبان لطیف و غنی و دقیق
بیان آن اندیشه و احساس و دستاورد را
داشته باشی.

۸۶/۷/۳۰/۱۸

✧ تو از خود می رانی اش،
او به خود می خواندش؛
گله ات از چیست؟

۸۶/۸/۲۸/۷

✧ اگر کسی گفت:

“وقت ندارم.”

به برنامه ریزی اش،

به تنظیم وقتش

شک کنید.

۸۶/۷/۲۰/۲۲

✧ “تحول بزرگ”

سازمان یافتگان

اندیشمند،

پرتوان،

پراستحکام،

صادق و وفاداری می خواهد -

ولی،

با یک نفر شروع می شود.

۸۷/۳/۲۳/۱۱

✧ چه فرق می کند که واقعیت ها را شناسی،

یا زبان بیان واقعیت ها را نداشته باشی.

✧ این اداها که تو در می آوری

فکر کردن نیست؛

انباشتنِ اندوه است

در کوله بارهای "چه کنم؟"

"فکر"

تو را

سبک بال

به قله های درک و حل مسئله می رساند.

۸۶/۸/۱۱/۱۱

✧ گفت:

"وقت طلاست"

گفتم:

خیلی چیزها را

با وقت می شود به دست آورد

که با طلا نمی شود.

گفت:

مثلاً؟

گفتم:

دل ها را.

۸۶/۱۰/۵/۹

✧ ما

بنای بزرگ سر به آسمان کشیده
تحقق آرزوهای مان را
از ”پی“ آن شروع می کنیم.

✧ پنجره ها را که ببندی و
پرده ها را بکشی؛
از کجا می توانی
آب و هوای بیرون را بفهمی؟

۸۶/۱۲/۲۳/۱۸

✧ گفت

می دانم که باید یک چیز را بنهم،
و چیزی دیگر بردارم -
اما،

نمی دانم چه چیزی را بنهم،
و چه چیزی را بردارم.

۸۶/۱۲/۲۳/۱۹

✧ ما

”حکومت“ نمی خواهیم -

ولی

سازمان دهندگان منتخب

چرا.

۸۷/۱/۲۲/۱۱

✧ همه جور دروغی را

زیر پوشش ”دروغ مصلحت آمیز!“

می گفت.

۸۶/۷/۱۶/۷

✧ میهمان های تان را

در آغاز دیداری تازه -

با اشاره به ویژگی های هر یک -

با هم آشنا کنید.

۸۷/۱/۲۹/۲۱

✧ از ”رفته“

فقط اسمش می ماند -

تا هستم

از بودنم استفاده کن.

۸۷/۲/۲۴/۹

✧ زبانش،

پشت سر آدم‌ها
به حُسن گویی باز نمی‌شود و
رو در روی آن‌ها
به عیب‌گویی.

۸۷/۲/۳/۹

✧ وضع موجود را بشناس،

وضع مطلوب را بخواه،
وضع ممکن را بجوی.

۹۰/۵/۱۱/۱۲

✧ ما

هم حق داریم،
هم وظیفه.
نکند یکی را دست آویز خود کنی و
دیگری را گردن آویز من!

۸۴/۵/۱/۱۸

✧ اگر پرسش نداشته باشید،

پاسخ به هیچ درد شما نمی‌خورد.

✧ بازنده ای هست

که خیال می کند برنده است -

آن چیز بزرگی را که داده است

نمی بیند؛

به آن چیز کوچک که به دست آورده،

دلخوش است.

۸۷/۳/۲۹/۹

✧ نزدیک ترین دوست

به خود

خود تو هستی -

اگر با آن چه داری،

با تن و روانت

مهربان باشی

و

خشن ترین دشمن

به خود

خود تو هستی

اگر نامهربان باشی.

۸۷/۲/۲۸/۹

✧ "فردا" اگر نباشد،

امروز پایان همه چیز است -

"امروز" اگر نباشد

فردایی در کار نخواهد بود.

۸۷/۳/۸/۱۹

✧ هر تغییر تحول نیست -

وقتی ساختمان کهنه ای را می کوبید؛

تغییر هست،

تحول نیست -

تحول

در ساختن بنایی بهتر از آن است

در جای آن.

۸۷/۲/۲۵/۹

✧ فکرش خوب کار می کند،

اما

خوب فکر نمی کند.

۸۷/۴/۶/۲۱

✧ بین،

بیندیش.

بخوان

بیندیش،

بپرس

بیندیش.

بساز

بیندیش -

به آن چه دیده و خوانده و شنیده و ساخته ای -
به گذران زندگی.

۸۷/۳/۲۰/۲۳

✧ واژه در ساختار،

ساختار در آهنگ بیان،

و آهنگ بیان در احساس تو

”پیام“ می رساند.

۸۷/۳/۲۳/۱۵

✧ اگر یک بار دیگر به زندگی برگردم

حواسم را می دهم به آن که

”پرت“ وقت و کار و زندگی ام را بگیرم.

۸۷/۳/۲۳/۱۵

✧ وقتی

سرش را

در خیال،

و صادقانه،

روی سینه ات می گذارد

و ناگفته های دلش را می گوید

دیگر،

هرگز،

در هیچ وضعیتی

از اسرار او

در محدود کردن او

بهره نگیرد.

۸۷/۴/۲۱/۹

✧ در بودش

با او می ستیزند؛

در نبودش

او را می ستایند.

۸۷/۴/۱۴/۱۸

✧ انعطاف پذیر بودن

با سست اراده بودن

فرق دارد؛

اولی نشانی از فهم و درک است،

دومی ناشی از ضعف شخصیت.

۸۷/۱/۱۶/۲۴

✧ زبان تحقیر

تو را بزرگ نمی کند؛

کینه به تو را بزرگ می کند.

✧ داوری ات را

از روی "فضایل و خصایل" او بردار؛

بگذار روی اثر و اثرگذاری اش.

۸۷/۵/۱۷/۱۹

✧ جلوی کاری را گرفتن

کاری ندارد؛

"کار" را راه بردن کار دارد،

که آن هم کار هر کسی نیست.

۸۴/۷/۱۶/۱۶

✧ از زبانِ محکوم کردن،
زبانِ پیرو کردن،
زبانِ همسو کردن
کدام را اختیار می کنی؟

✧ ما

باید

یک چشم به افق های دور داشته باشیم و
چشم دیگر به جلوی پای مان.

✧ اگر توانستی

”وقت“ را درست مصرف کنی
به آینده ات اعتماد کن.

✧ تو

باید

از دست دادن را بپذیری
به دست آوردن را یاد بگیری.

۸۷/۵/۱۷/۱۸

✧ ایده آلیسم

همان گونه که تو را به خوش باوری می کشاند
به ورطه نا امیدی می اندازد.

✧ ”واژه“

خود به خود

نقشی ندارد -

این،

آرایش واژه هاست که

به ”بیان“، زیبایی و استحکام و معنا می بخشد.

✧ مردم

از من توقع دارند

همان کارهایی را بکنم

که می کرده ام.

”زمان“ می گوید

وقت نداری -

فرصت ها را بده

به کارهایی

که نکرده ای و باید بکنی.

۸۷/۹/۱/۱۱

✧ تو

رازدار باش -

در تفاهم

و

در تقابل.

۸۷/۴/۱۸/۹

✧ هر چه به پایش بریزی،

از هر دری

برای "انبساط خاطرش"

وارد شوی

باز

در به در

دنبالِ سرنخ "غم" می گردد.

۸۷/۵/۲۳/۷

✧ "راز" او را

چه شنیده باشی،

چه دیده باشی،

چه فهمیده باشی

در دل "خود" نگه دار -

با خودش هم در میان مگذار.

۸۷/۴/۱۸/۹

✧ از دل که ببخشی،

غنچه دل باز می شود -

نفست عطرآگین.

۸۷/۶/۲۲/۱۱

✧ نمی توانم دوست نداشته باشم؛

چون دوست داشتنی هستی.

تو هم نمی توانی مرا دوست نداشته باشی

چون دوستت دارم.

۸۷/۶/۲۵/۹

✧ دهان مخالف را که بستی

فکر مخالف ریشه می دواند.

۸۷/۷/۲/۲۳

✧ هر آگاهی ای

هر قدر هم وسیع باشد

باز

ناتمام است.

۸۷/۶/۳۱/۲۱

✧ ما

به زندگی نمی خندیم؛

با زندگی می خندیم.

۸۷/۷/۵/۴

✧ راه سرنوشت

نه هموار است و نه سراسر است -

خاک برداری می خواهد،

پل سازی می خواهد

و گلکاری پیوسته.

۸۷/۷/۵/۴

✧ ”در“ها را

به روی غم بسته ام؛

از پنجره می آید،

در خروج را به رویش می گشایم.

۸۷/۷/۸/۹

✧ از مترسکی که خودش درست کرده است

می ترسد!؟

۸۷/۷/۳۰/۹

✧ تا به درستی ندانی چه داری

نمی توانی تصمیم بگیری

چه داشته باشی.

۸۷/۷/۱۱/۷

✧ آن چه می کشیم

از بی فکری می کشیم؛

بیاید

روی "فکر" کار کنیم.

۸۷/۷/۸/۱۲

✧ غنای زندگی تو

با داشتن "داشته"ها معنا نمی شود -

با شیوه بهره مندی،

چرا.

۸۷/۶/۲۱/۱

✧ شکست،

جانوری است

که در سوراخ های "ضعف" لانه می کند.

۸۷/۱۰/۲۰/۲۱

✧ گفتنش آسان است:

”خود را به جای او بگذار.“

اما،

همواره

تا آن جا که توانسته ایم

میل و اراده و اعتقاد خود را

به او ”تحمیل“ کرده ایم.

۸۷/۷/۱۸/۱۲

✧ تصور می کنی علاقه اش به تو کم شده است،

علاقه ات کم می شود -

حس می کند علاقه ات به او کم شده است،

علاقه اش کم می شود -

حس می کنی ...

حس می کند ...

و می روید زیر خط سرخ!

۸۷/۷/۲۶/۲۲

✧ دست و نگاه و کلامت

باید ”شغابخش“ باشد.

۸۷/۹/۵/۱

✧ اگر

دلت با او منفی باشد و

زبانث مثبت

دو نفر را خراب کرده ای.

۸۷/۷/۲۷/۷

✧ چه قدر

آن‌هایی را که اصرار داری

دوستت داشته باشند

دوست داری؟

خوب،

این دو کفه یک ترازوست -

یکی پُر، یکی خالی، نمی‌شود.

۸۷/۷/۲۶/۲۲

✧ تا خود می‌توانی

به زنده ماندن خود کمک کنی،

کمک کن!

دیگران

توی زحمت نیفتند.

۸۷/۹/۸/۹

✧ "چه شده است" را

توی دل نگه دار

"چه باید بشود" را

بر زبان آر.

۸۷/۹/۴/۲۳

✧ به افکار آن کس

که به افکار تو احترام می گذارد

احترام بگذار.

۸۷/۸/۱۰/۱۹

✧ توان اثرگذاری ات

باید چنان باشد که

گریان نزد تو آیند،

خندان بروند.

۸۷/۹/۵/۹

✧ کدام را می پسندی؟

چهره بی نقاب را،

یا نقاب روی چهره را؟

✧ تحدید “قدرت” را

نمی‌گوییم؛

”کنترل“ قدرت را

می‌گوییم

این، قاعده و قانون می‌خواهد.

۸۷/۸/۲۲/۱۸

✧ سلاح‌ها را بریزید دور -

”سلاح“

مال آن است که

”کی“ حکومت کند.

اندیشه را دامن بزنید

”اندیشه“

مال آن است که

”چه‌گونه“ حکومت کند.

۸۷/۹/۳/۱۹

✧ "تهدید"

انکار می آورد -

"واقعیت"

سر جای خودش هست؛

فقط کتمان می شود.

۸۷/۸/۹/۱۴

✧ هر وقت با تو "مشورت" می کنند

با ذهن مثبت برخورد کن -

چه گونه شدن را بگو؛

نه

چرا نشدن را.

۸۷/۸/۱۰/۱۹

✧ "قانون" را باید

با عقل و درایت نوشت -

نه با خشم و خشونت.

۸۷/۹/۵/۹

✧ رفتار پوشش است؛

من انگیزه آن رفتار را می خواهم بدانم –
که زیر آن پوشش است.

۸۷/۹/۸/۱۱

✧ سنگ مباش؛

که راه را بند می آورد –
آب باش؛
که راهی تازه می گشاید.

۸۷/۹/۸/۹

✧ شجاعت هزینه کردن که داشته باشی،

درایت هزینه کردن هم می خواهی.

۸۷/۹/۹/۲۰

✧ “غرور”

جلوی چشم را می گیرد،

عقل را مختل می کند،

رای را نسنجیده.

۸۷/۹/۲۳/۱۱

✧ "یک نفره"

فکر بزرگ می توان کرد؛

کار بزرگ

نه.

۸۷/۹/۱۲/۹

✧ جغرافی را

سلاح تغییر می دهد؛

تاریخ را

اندیشه.

۸۷/۹/۱۵/۱۴

✧ به وقت دیگران بها بده،

تا دیگران یاد بگیرند

به "وقت" تو بها دهند.

۸۷/۹/۲۱/۸

✧ فکر "پویا"

روی نظریه ایستا

نمی ماند.

۸۷/۱۱/۴/۱۶

✧ طعم طعام را که خواستی بفهمی

آن را

با شامۀ باز

در دهان بچرخان؛

درستی فکر را

با شم تیز

در اذهان صاحب نظران.

۸۷/۹/۱۵/۹

✧ اگر امروز

از کردۀ دیروز

پشیمانی؛

راه و روش و منش خود را

آن چنان تغییر بده

که فردا

از کردۀ امروز

پشیمان نشوی.

۸۷/۱۰/۳/۱۹

✧ باد در غبغب انداخته می گوید:

” در آن دوران

که آن ها وحشی بودند

ما متمدن بودیم.“

فروتنا نه می گویم:

”خوب،

این افتخار آن هاست؛

نه افتخار ما.“

۸۷/۱۰/۱۳/۲۴

✧ در دریای ”خاطره“ ها -

فقط باید به جلو شنا کرد -

برگشت، و تکرار،

رنگ خوشرنگ آن را

کم رنگ می کند

و زنگ خوشاهنگ آن را

کم صدا.

۹۱/۱/۲۵/۲۴

از

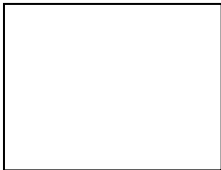
همین نویسنده

”برای آنان که می اندیشند“

منتشر شده است:

- ۱- تبریک های نوروزی ۱۳۸۲
- ۲- کوتاه نویسی ها ۱۳۸۳
- ۳- تو به من عشق ورزیدن یاد می دهی ۱۳۸۴
- ۴- آن روزها ... این روزها ۱۳۸۴
- ۵- پرنده های عشق ۱۳۸۵
- آواز مرا بخوانید ۱۳۸۵
- ۶- چه بنویسیم؟ ... چه گونه بنویسیم؟ ۱۳۸۵
- ۷- نگوییم ... بگوییم ۱۳۸۵
- ۸- وقتی کسی را دوست داری ۱۳۸۶
- ۹- ما داریم می رویم ... او دارد می آید ۱۳۸۶
- ۱۰- داستان های گفتنی ۱۳۸۷
- ۱۱- هزار نکته ۱۳۸۷
- ۱۲- می خواهیم زنده بمیرم ۱۳۸۷
- ۱۳- در رثای آنان که زنده اند ۱۳۸۷

- ۱۳۸۸ - ۱۴ - نگاهی دیگر
- ۱۳۸۸ - ۱۵ - روی پاکت ها
- ۱۳۸۹ - ۱۶ - نامه های پدر به پسر (۱)
- ۱۳۸۹ - ۱۷ - نامه های پدر به پسر (۲)
- ۱۳۸۹ - ۱۸ - انگیزه اندیشه
- ۱۳۸۹ - ۱۹ - معلم "یاد گرفتن را یاد می دهد"
- ۱۳۸۹ - ۲۰ - حُسن شناسی - حُسن جویی، حُسن گوئی
- ۱۳۸۹ - ۲۱ - ما را باش ...
- ۱۳۸۹ - ۲۲ - فاقد نیستیم؛ واقف نیستیم
- ۱۳۹۰ - ۲۳ - می مانم، ولی ...
- ۱۳۹۰ - ۲۴ - مدیر و مدیریت - "سازمان دهی"
- ۱۳۹۰ - ۲۵ - از "بودن" به "شدن"
- ۱۳۹۱ - ۲۶ - کودک، خانواده، مدرسه
- ۱۳۹۱ - ۲۷ - سخنانی کوتاه با مدیران
- ۱۳۹۱ - ۲۸ - گفته های نوشتنی
- ۱۳۹۱ - ۲۹ - ویژگی های یاد دهی، شیوه های یادگیری
- ۱۳۹۱ - ۳۰ - پیام های نوروزی از نوروز ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۱
- ۱۳۹۲ - ۳۱ - انسان را کار انسان کرد



آن را که فکر کرده ای،

بگو،

آن را که اعتقاد داری

بگو -

آن را که واژه های غنی دارد

بگو

آن را که ساختاری خوش آهنگ دارد

بگو

آن را بگو که کس نگفته است -

که فهمیده می شود

که به یاد می ماند

که اندیشه ها را بر می انگیزد

که گسترده می شود؛

سینه به سینه می گردد

و حرف دل مردم است.